



رئیس نه تنها کاری برای اقتصاد نکرده، بلکه درباره هیچ چیزی صریح حرف نزد

احمد زیدآبادی در روزنامه اعتماد نوشت: اتفاقی که در دوم خرداد سال ۷۶ رخ داد، نه از سر هوا و هوس جمعی خاص بود، نه ربطی به توطئه خارجی داشت و نه از آسمان نازل شده بود. واقعاً فقط از گرایش عمومی جامعه و مطالبات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آنان پرده برداشت و آن را از زیر پوست جامعه به عرصه علنی سیاست کشید.

این رخداد در اصل می‌بایست مورد استقبال اجزای مختلف حکومت قرار گیرد و دست کم سبب هوشیاری آنها در مورد جریان‌های جاری در اعماق جامعه و پرنامه‌ریزی متین برای تطبیق تدریجی سیاست‌ها با مطالبات عمومی شود تا جامعه ایرانی از این طریق به ثبات و پایداری سیاسی لازم دست یابد. گرچه نمی‌توان اشتباهات کوچک و بزرگ اصلاح‌طلبان را آن مقطع زمانی را اتکار کرد، اما اشتباه و تقصیر عمده به گردن اصولگرایان است که تمام توان خود را به کار گرفتند تا ضمن اتکار یا تحریف واقعیت عریان‌شده، هر حرکتی در جهت تحقق آن مطالبات را سرکوب کنند و سید محمد خاتمی را با دست خالی از ساختمان پاستور به منزلش بفرستند.

این درحالی است که گرایش‌ها و مطالبات اجتماعی همچون جریان‌های آب زیرزمینی در دل کوهستان است و اگر با زور و فشار در نقطه‌ای راه خروج آنها سد شود، دیر یا زود از نقطه‌ای دیگر به بیرون فوران می‌کنند. در واقع از سال ۷۶ تاکنون ویژگی اصلی تحول در جامعه ایران، کشاکش بین مطالبات عمومی و مقاومت و تقابل در برابر تحقق آنها در عرصه سیاست بوده و همین منازعه، بی‌ثباتی‌های متناوب را در سطح جامعه رقم زده است.

بزرگ‌ترین اشتباه اصولگرایان این بود که بر آمدن محمود احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۸۴ را به معنای عدول جامعه از مطالبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود تعبیر کردند و سرخوشانه به تحقیر نیروهای رقیب خود پرداختند. بر آمدن آقای احمدی‌نژاد اما از یک‌سو به نارضایتی عمیقی

کاش چند حسن یزدانی در فوتبال هم داشتیم!

که عجیب‌ترین آن هم به اظهارات پدر یزدانی برمی‌گردد. پیش از بازگشت کاروان تیم ملی کشتی آزاد به فرودگاه امام خمینی، پدر حسن آقا در مصاحبه‌ای جنجالی عنوان کرد که این شکست تقصیر علیرضا دبیر بود؛ چرا که رئیس فدراسیون در آستانه مبارزه فینال، مربی سنگین وزن را برای تمرین به سراغ پسر او فرستاده و این موضوع به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست!

پدر یزدانی درحالی به شدت نسبت به دبیر موضع گرفت که خود حسن ترجیح داد تا این موضوع ادامه پیدا نکند. یزدانی در پاسخ به سوال خبرنگاران مبنی بر تأیید صحبت‌های پدرش، به‌شدت پخته عمل کرد و آن را تنها یک واکنش احساسی دانست که به عنوان عضوی از خانواده‌اش، نسبت به شکست وی اتخاذ کرده است. البته این تنها صحبت مدیریت مدبرانه یزدانی نبود. وی شکست برابر تیلور را به گردن کسی نینداخت و از این گفت:



برچیدن گشت ارشاد عقب نشینی نیست؛ پیشروی است

عباس عبدی در روزنامه اعتماد نوشت: یکی از مشکلات ما این است که به نوعی از کلمات استفاده می‌کنیم که فراتر از مفهوم آن، خود را اسیر برداشت رایج از آن می‌کنیم. برای نمونه سکولاریسم یا سازش‌کار چنین است. چنان برچسب منفی بر آنها می‌زنیم که هر معنای قابل استفاده‌ای از آن را قربانی این برچسب می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم درباره معنای واقعی آن فکر شود.

«عقب نشینی» از جمله این کلمات است. این کلمه بار معنایی منفی دارد که درسیاست زیاد به کار برده می‌شود. برای نمونه در مذاکرات هسته‌ای همیشه گفته می‌شود که طرف ایرانی یا آمریکایی از مواضع خود عقب نشینی کرد یا نکرد. در حالی که این یک برچسب آشکار است.

اگر ما کالایی را بخریم و در حین خرید چانه بزنیسم و از قیمت اولیه بالاتر برویم، یا فروشنده پایین‌تر بیاید این را نباید گفت عقب نشینی البته ضمن تشکر از حرف آمریکایی به خاطر تمجیدهایی که از او داشته، ابراز امیدواری کرد تا در آینده بتواند این شکست را جبران کند.

همه این حرف‌ها در واکنش به اتفاقاتی که می‌توانست جنجالی شود، نشان می‌دهد که یزدانی واقعا خارج از تشک کشتی هم انسانی دوست‌داشتنی است. به همین دلیل هم در جمع استقبال هزاران نفره از کاروان کشتی در فرودگاه، او بیش از همه مورد تمجید قرار می‌گیرد.

اصلا همین اتفاق را مقایسه کنید با صحبت‌هایی که اخیرا برخی ملی‌پوشان فوتبال داشته‌اند و چگونه از چشم مردم افتانند. بالاخره قرار نیست فکر کنی چون مشهور هستی، همه صحبت‌هایت هم درست است. کاش چند حسن یزدانی در فوتبال هم داشتیم!

موضع کیهان در برابر تظاهرات اخیر: بگیرید و ببندید؛ نیاز به سند نداره!

از ضرورت توجه به خیزش‌های اجتماعی و اعتراضات خیابانی صحبت می‌کردند و بعضی با صراحت نوشندند وقتی گفت‌وگوی داخلی میان حاکمیت و نخبگان به بن‌بست می‌رسد - یعنی زمانی که نظام نمی‌خواهد رانت ویژه‌ای به شکست‌خورده‌گان در انتخابات بدهد - نوبت مردم است که علیه حکومت به خیابان بیایند و آنگاه اصلاح‌طلبان باید با آنان همراه شوند و به زبان آنان تبدیل گردند.

یعنی مدیریت کار را برعهده بگیرند - در آنتای این مباحث بعضی از عناصر شاخص این جریان، مثل بعضی چهره‌های حزب کارگزاران، وانمود می‌کردند میانه‌ای با این حرف‌ها نداشته و اعتقادی به رادیکالیزه کردن فضا ندارند و از این طرف هم عده‌ای باور کرده بودند که این جریان سرعقل آمده و زمان تحویل گرفتن دواپاره آن از سوی نظام فرا رسیده است. اما زمانی که یکی از اعضای این جریان که خود این جریان وی را رادیکال و افراطی معرفی می‌کرد و مدعی جدا بودن صف خود از آنان بود، دستگیر شد، همه اجزا و عناصر اصلی این جریان اعم از کارگزاران و بقیه پای کار وی آمدند و وعده‌های آشتی‌جویانه قبلی خود را فراموش کردند! کما اینکه پس از آن که متن نوشته‌شده میرحسین موسوی بر یک کتاب منتشر گردید - که در آن به شهیدان سلیمانی و همدانی و در واقع کل مدافعان حرم، به سختی جسارت شده بود، یعنی ضرب رادیکالیزم را تا اقدام علیه مقدسات مردم بالا بردند تا تحریک حداکثری اتفاق بیفتد و اوضاع بهم بریزد، اینها باز حاضر به جدا کردن صف خود از او نشدند و در واقع از او حمایت عملی نمودند!

یک وجه دیگر موضوع بحث جناب و عفاف و نهادهای رسمی مسئول در این امر بود. کاملاً واضح است که جناب و عفاف، مسئله‌ای نیست که نظام جمهوری اسلامی آن را پدید آورده باشد. این موضوعی اسلامی و ملی است. یعنی از یک‌سو اسلام و قرآن کریم بر حفظ آن تصریح دارد و از نصوص است و از سوی دیگر مردم ایران خواهان آن هستند (کما اینکه در یک نظر سنجی که اخیراً در کشور بر گزار شد، نزدیک به ۹۰ درصد از مردم ایران از اقدامات حکومتی برای حفظ جناب و عفاف حمایت کرده بودند). این جریان شروع کرد به زیرسؤال بردن تلاش حاکمیت بر حفظ این ارزش دینی و ملی! این اقدامات گاهی در قالب واژگان «حجاب اجباری» و گاهی در قالب «گشت ارشاد» صورت می‌گرفت. در این میان گاهی از میان سطور آن عبارتی به چشم می‌خورد که خط آنان را لو می‌داد: آن عبارت این بود که «حجاب را امنیتی نکنید». در واقع با ملاحظه حوادث بعدی و خطی که از خارج دنبال می‌شد، معلوم بود که این جریان در حال تبدیل بی‌حجابی به اعتناش است و در واقع در حال تبدیل کردن بی‌حجابی به موضوعی امنیتی است. الان دیگر تشنه رسوایی این جریان از بام افتاده و می‌توان استنادات فراوانی برای این موضوع ارائه نمود.

خیلی‌ها این سؤال را می‌پرسند که چرا رفتار دولت روحانی در دو سال آخر عمدتاً روی ایجاد نارضایتی و ناامیدی استوار گردید. از سوی دیگر از لحظه برگزاری انتخابات، به جای تأکید بر جمعیت‌ی‌واحد شرایطی که پای صندوق آمده و عمدتاً به آن‌الله رئیسی رای داده بودند، به جاعت دیگری که به هر دلیل رأی نداده بودند و البته مسبوک به سابقه هم بود، پرداختند. در کشور، انتخابات‌های با مشارکت ۵۴ درصد و حدود ۶۰ درصد هم مکرر برگزار شده بود ولی هیچ‌گاه نقطه مرکزی تحلیل داخلی‌ها روی «عائتین» نرفته بود اما این بار موضوع اصلی در تحلیل‌های خارجی و داخلی، رأی‌ناده‌ها گردید کما اینکه تا همین الان هم علی‌رغم آنکه ۱۵ ماه از زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، هنوز در تحلیل‌های من در آوردی این گروه کفه رأی‌ناده‌ها سنگین‌تر از آن کفه رأی‌ناده‌هاست در کنار این تحلیل‌ها، از دل این جریان کسائی

مگه اومده بودی!؟

داند ولی با این همه تقلا در نهایت از جمعیت ۸۵ میلیونی ایران چند تا اجتماع ۵۰ تا ۶۰ نفره و با حداکثر ۲۰۰ نفره را به میدان آوردند!

گفتم: آن هم با اطمینان از نجات پلیس که مانع برخورد مردم با آنها شده بود. گفتم: ولی ملت ایران به مناسبت اربعین در سراسر کشور اجتماعات ده‌ها میلیونی تشکیل دادند و ۳ میلیون نفر هم برای شرکت در راهپیمایی اربعین به نجف و کربلا رفتند. گفتم: بشه‌ای روی درخت تومنند خرمانشست و هنگام برخاستن به درخت گفت: تترسی ها! خودت را قرص نگه دار که می‌خواهم بلند شوم! درخت گفت: مگه اومده بودی!؟

Table with 10 columns and 10 rows containing various words and their synonyms/related terms. Columns include: با شتاب, اتر دیدنی, پاسخ محما, لال, ص و شما, شهر آمریکا, پیمودن, شهر استرالیا, نیروهای نظامی, حرف تعجبی, ویتامین کبوی, اشاره با چشم, هماهنگی, باران ریزه, عنصر نمکی, زود, اولین رهبر کره, هنر، ترفند, مخفف گاه, دومین پادشاه, امال, کوهنوردان, محل ورود, ظرف مکان, نماینده, غم انگیز, نجات یافتن, خودارایی, پاسخ منفی, تام شاهان, نوبت نمایش, نماز واپسین, تمایز واپسین, یکان درشکه, نقاش ایرانی, کم دل.

جول جدول شرح در متن شماره: ۲۹۷